



Theosophical-Philosophical Foundation of Iranian Art

Volume 2 / Issue 4 / pages 371-388 / e-ISSN: 2980-7875 / p-ISSN: 2981-2356

Original Research

10.30486/PIA.2023.2001377.5784



## The Context of Time in the Philosophical Discourses of Contemporary Architecture and Urban Planning based on the Theory of Space Production

**Mozhdeh Jamshidi**

Assistant Professor, Department of Urbanism, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran  
Tourism, Architecture and Urban Research Center, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

### Abstract

Time and space have been central issues in legal-philosophical discourses, with each philosophical system offering different views on these concepts. The components of space and time in architecture and urban planning throughout history play a significant role in the embodiment and meaning of the human environment. This research aims to identify the temporal context in the production of space by focusing on the components that form the structure of thinking in philosophical-judicial discourses and the rationality governing contemporary architecture and urban planning in Iran. By limiting factors to thinkers and planning processes at the global level, the signs of the context of time in the construction of space are identified. The qualitative and interpretive method of this research uses inductive analysis, focusing on the ideas and works of contemporary thinkers, as well as social trends and movements. The results indicate that the foundations of time in the production of space in contemporary Iran stem from psychology and sociology, and are still at the beginning of shaping dominant ideas.

**Keywords:** Architecture and Urban Planning, Context of Time, Contemporary Era, Philosophical Discourse, Production of Space.



## بنیان‌های حکمی فلسفی هنر ایرانی

سال دوم / شماره چهارم / زمستان ۱۴۰۲ / ص ۳۸۸-۳۷۱ / p-ISSN: 2981-2356 / e-ISSN: 2980-7875



10.30486/PIA.2023.2001377.5784

پژوهشی

# بافتار زمان در گفتمان‌های حکمی - فلسفی معماری و شهرسازی دوران معاصر مبتنی بر نظریه تولید فضا

## مژده جمشیدی

استادیار گروه شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مرکز تحقیقات گردشگری، معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

### چکیده

زمان و فضا در هر گفتمان حکمی-فلسفی به عنوان موضوع محوری، همواره مورد چالش بوده‌است. هر نظام فلسفی در هر دوره، مبتنی بر نیروهای مسلط گفتمانی، دیدگاه‌های متفاوتی را برای زمان و فضا ارائه داده‌اند. خوانش مولفه‌های اندیشه‌ای پیرامون این دو، چشم‌انداز روشن‌تری را از آینده زیستگاه‌های انسان، نشان می‌دهد. خوانش مولفه‌های فضا و زمان در گفتمان‌های معماری و شهرسازی در هر دوره تاریخی؛ در عینی‌ترین سطح در انواع عناصر عینی، شامل نشانه‌ها، نمادها، عناصر کالبدی-غیرکالبدی، ملموس-غیرملموس و در سطوح پنهان در اشکال الگوها و طرح‌واره‌های ذهنی موثر در تجلی مکان؛ نقش مهمی در تجسد، تجسم و معناداری محیط زیست انسان دارد. این پژوهش، در راستای شناسایی بافتار زمانی در تولید فضا، با تأکید بر مولفه‌های شکل‌دهنده ساختار تفکر در گفتمان‌های فلسفی-حکمی و عقلانیت حاکم بر دوران معاصر معماری و شهرسازی ایران می‌باشد؛ که به واسطه جریانات اجتماعی-سیاسی-اقتصادی در زندگی روزمره مردم ایران تجلی یافته‌است. در این راستا با محدودکردن عوامل دخیل؛ به دو عامل متفکران و جریانات برنامه‌ریزی در سطح جهانی؛ به شناسایی نشانه‌های بافتار زمان در ساخت فضا پرداخته می‌شود. روش این پژوهش کیفی و از نوع پژوهش‌های تفسیرگرایی است و با تأکید بر تحلیل‌های استقرایی با محوریت اندیشه‌ها و آثار متفکران معاصر از یکسو و تحلیل جریانات و جنبش‌های اجتماعی از سوی دیگر می‌باشد. نتایج، حاکی از آن است که بنیان‌های زمان در تولید فضا در ایران معاصر، ناشی از دو حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و هنوز در آغاز اندیشه‌ورزی برای تبدیل به یک عنصر و متغیر کلیدی در شکل‌دهی به نظریات مسلط بر تولید فضا می‌باشد.

واژگان کلیدی: ایران معاصر، بافتار زمان، تولید فضا، گفتمان حکمی-فلسفی، معماری و شهرسازی

## ۱- مقدمه/ بیان مسئله

پرسش از چیستی زمان و تفکر پیرامون مسئله زمان از ابتدای پیدایش اندیشه بشری، همواره مطرح بوده است. این امر، زمان را به یکی از اصیل‌ترین موضوعات فلسفی در علوم مختلف، به‌ویژه علوم طبیعی (نظیر فیزیک)، علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی) و علوم محیطی (به‌ویژه معماری و شهرسازی) بدل کرده است. مطالعه زمان در فلسفه با تحقیقات علمی بین‌رشته‌ای، توسعه چشمگیری داشته است. این امر، زمان را از یک پدیده صرفاً مطلق و تک‌بعدی که به صورت یکنواخت و مستقل از ساحت زندگی انسان است؛ به پدیده‌ای نسبی و چندبعدی که در ساخت زندگی روزمره و فضای زیست انسانی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، بدل کرده است؛ بر این اساس زمان به همان اندازه که امری فلسفی است؛ امری سیاسی، اجتماعی [و اقتصادی و فضایی] قلمداد می‌شود (Gokmenoglu, 2022). افزون بر ابعاد سیاسی، اجتماعی و فضایی زمان، مسئله زمان در دوران معاصر به واسطه مصرفی شدن جوامع، فردی شدن و فرهنگ مادی (هیجان‌خوشی)؛ منجر به زمان‌بندی انسان‌ها، کالاها، رویدادها و حوادث و به‌طور کلی «زندگی روزمره» و «فضا و مکان زیست» انسان شده است. مسئله‌ی محور بودن زمان در دوران معاصر، امکان خوانش زمان را در رابطه تریالکتیک با سه امر سیاسی-اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و فضایی-محیطی مبتنی بر زمینه‌های ایدئولوژیکی فراهم می‌آورد (جمشیدی، حبیبی، ۱۴۰۰). این امر، خاستگاه ویژه‌ای را برای ایده‌پردازی‌های خلاقانه در هر دو گفتمان و جریانات فلسفی-نظری و کاربردی-عملی فراهم آورده است.

با تأکید بر ویژگی‌های دوران معاصر و تأکید بر سه رکن فناوری، فرهنگ و دیجیتالیزه شدن که در اشکال گوناگون کثرت اندیشه‌ورزی، تسلط بی‌قید و شرط انسان بر ابعاد هستی (به‌ویژه طبیعت)، تغییر روش‌های زندگی و سنت‌های فرهنگی و مذهبی، تجلی یافته است؛ بیش از هر چیزی مفهوم زمان و تعابیر برخاسته تغییر کرده است. با تأکید بر دیالکتیک زمان با دیگر امور واقع (به‌ویژه امر اجتماعی)، سه مسئله محوری پیرامون زمان در دوران معاصر عبارتند از: تبدیل زمان به ابزاری در خدمت زندگی روزمره و کالایی شدن آن (متریالیستی کردن زمان و تبدیل آن به ابزار اقتصاد سیاسی) به‌ویژه در نظم جهانی؛ کثرت‌گرایی و تنوع زمان و زمان‌بندی متکثر برخاسته از زمینه‌های خاص و نظم محلی و فرهنگ مصرف‌گرایی که زمان را به پدیده‌ای مصرفی که با سرعت زیادی دائماً تولید و بازتولید می‌شود، بدل کرده است.

در مواجهه با این مسائل و چالش‌های زمانی، ارتباط مستقیم، میان گفتمان‌های حکمی-فلسفی مسلط بر اندیشه طراحان، برنامه‌ریزان، فن‌سالاران و مهندسان معماری، شهرسازی و هنرمندان؛ به‌عنوان متفکران این حرفه و آنچه آن‌ها از زمان، در ساخت و تولید فضا می‌پندارند، وجود دارد؛ از این رو این پژوهش با هدف آشکارکردن ابعاد مختلف و مولفه‌های موثر بر بافتار زمانی موثر در ساخت فضا (در سطح کلان) و مکان (در سطح خرد) و مشخصات زمانی موثر بر آن در گفتمان‌های حکمی-فلسفی دوران معاصر معماری و شهرسازی در مقیاس جهانی (به‌طور عام) و در ایران (به‌طور خاص) ساختار یافته است. ساختار این مقاله در دو بخش کلی شکل گرفته است: در بخش نظری، به مقدمات پیرامون بافتار زمان و نقش آن در ساخت فضا و مکان و ارتباط میان زمان و فضا در گفتمان فلسفی معماری و شهرسازی (جهان و ایران) و در بخش دوم، به قیاس این عوامل در معماری و شهرسازی ایران از آغاز دوره معاصر ایران (۱۳۱۰ شمسی تا کنون) و مولفه‌های دخیل در بافتار زمان به تأثیر از جریانات جهانی به اختصار پرداخته می‌شود.

## ۲- روش پژوهش

چارچوب پژوهش با توجه به هدف پژوهش، شناسایی بافتار زمان در ساخت و تولید فضا در گفتمان‌های حکمی و فلسفی دوران معاصر جهان و ایران است؛ در راستای پارادایم تفسیری شکل می‌گیرد. بر این اساس رویکرد این پژوهش بنیادی است؛ تا از این طریق ضمن شناسایی بنیان‌های اندیشه‌ای، مدلی برای نظریه‌پردازی‌های نوین پیرامون مفهوم زمان در دوران معاصر فراهم شود. برای توسعه مدل از منطق استقرایی بهره‌گرفته می‌شود. از منظر نوع پژوهش، پژوهش حاضر، کیفی است که در راستای تحقق هدف پژوهش در

زمره تحقیقات کتابخانه‌ای قرار می‌گیرد. در این راستا و برای رسیدن به چارچوب مفهومی به مرور و تحلیل محتوای نظریات و مکاتب کلیدی که پایه بسیاری از نظریه‌پردازی‌های معاصر است، بسنده شده‌است. در این راستا تأکید بر دو محور مکاتب فلسفی و مکاتب معماری و شهرسازی و ارتباط میان آنها می‌باشد؛ از این رو، روش انتخابی این پژوهش، تحلیل محتوای تفسیرباور، مبتنی بر روش اکتشافی غیرآماری است. در این روش برای تدوین چارچوب مفاهیم از مدل جایگزینی<sup>۱</sup> بر اساس مدل نظری ناشی از مرور ادبیات نظری پیرامون مکاتب فلسفی - حکمی زمان و فضا و قیاس تطبیقی میان اندیشه‌های متفکران مورد بررسی و کتاب‌های آنها می‌باشد. در نهایت استخراج نتایج در قالب مفاهیم کلیدی مبتنی بر محتوی اندیشه‌ای و استنباط منطقی پژوهشگر و تطبیق آن با آرای صاحب‌نظران انجام می‌پذیرد. صاحب‌نظرانی ایرانی که در این پژوهش به آرای آنها استناد شده‌است، نسل سوم و چهارم جامعه دانشگاهی ایران را شامل می‌شوند و آرای آنها در مکتوبات دانشگاهی و پایگاه‌های داده‌ای نمایه و انتشار یافته‌است.

### ۳- ادبیات پژوهش (مبانی نظری-پیشینه پژوهش)

هیئت و شکل زمانی-فضایی محیط‌های انسان‌ساخت اعم از بناها، سایت‌ها، مجتمع‌ها، فضا‌های شهری و شهرها همواره (از دوران باستان تاکنون) موضوع گفتمان‌های فلسفی و زاینده مناظرات خلاقانه نظری و گمانه‌زنی‌ها درباره آینده بوده‌است؛ تا از این رهگذر به فلسفه از دید پراتیک (زندگی عملی) پرداخته شود. در این پژوهش با پذیرش معماری و شهرسازی به عنوان علوم کاربردی که ریشه‌های خود را در فلسفه تجربه‌گرا می‌یابد؛ شامل همه تجربه‌های انسانی، از جمله تجربه عملی، اخلاقی، ایدئولوژیک و زیبایی‌شناختی است و به دنبال مولفه‌های موثر بر شکل‌گیری بافتار زمان در تولید فضا می‌باشد. با توجه به نقش کلیدی مولفه اجتماعی در دوران معاصر، در این پژوهش با تحدید موضوع به این مولفه، به بررسی ارتباط مکاتب فلسفی معماری و شهرسازی از منظر علوم اجتماعی و عوامل موثر بر آن در دو خاستگاه غرب (اروپا و آمریکای شمالی) و ایران پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱- زمان و ابعاد آن در تعریف فضا

زمان از بنیادی‌ترین مسائلی است که فکر و ذهن انسان را درگیر کرده و در گفتمان‌های مختلف فلسفی در طول تاریخ، مفهوم زمان و به دنبال آن فضا به طرق مختلف ایده‌پردازی شده‌است. در اینجا فلسفه زمان به عنوان یک پدیده مستقل از فضا و فضا-زمان بررسی می‌شود و سپس ارتباط آن در گفتمان‌های فلسفی باز می‌گردد.

بحث زمان و پیشینه آن به حکمای پیش از سقراط می‌رسد (وال، ۱۳۸۰). در این دوران زمان با تلاقی دو مفهوم تغییر و ثبوت ایده پردازی می‌شود (فلسفه زمان، بدون تاریخ). افلاطون (حدود ۴۲۸-۳۴۸ ق.م) با تأکید بر دو جز شکل (یا عرض، ظاهری و تغییرپذیر) و جوهر (مطلق و تغییرناپذیر)، زمان و مکان را دو عامل مطرح شده، در مورد شکل می‌داند. افلاطون معتقد بود که زمان یک توهم است، و تصویر متحرک از ابدیت می‌باشد. به عقیده او، جهانی که ما از طریق حواس خود تجربه می‌کنیم، تنها سایه‌ای از دنیای واقعی و جاودانی اشکال است؛ از این رو زمان را، همان تغییر شکل می‌داند. ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م) نیز زمان را معیار تغییر و راهی برای توصیف حرکت اجسام و رویدادها می‌دانست. او زمان را بُعدی می‌دانست که به انسان امکان می‌دهد، توالی رویدادها و مدت زمان بین آنها را درک کند (کمپرتس، ۱۳۷۵؛ کاپلستون، ۱۳۶۸؛ برن، ۱۳۷۵). در نگاه وی زمان تعداد حرکت‌ها با توجه به قبل و بعد است. در نگاه وی حرکت بر سه نوع کمی (تغییر در اندازه)، کیفی (دگرگون شدن) و موضعی (تغییر مکان) است؛ که وی زمان را بر حرکت منطبق می‌داند و مفهوم شمارش و عدد را برای اندازه‌گیری زمان، مطرح می‌کند (فلسفه زمان، بدون تاریخ، ۱۰-۱۱). در فلسفه قرون وسطی تا عصر روشنگری، می‌توان به آرای آگوستین قدیس (۳۵۴-۴۳۰ م) و جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴ م) اشاره کرد. آگوستین با تأکید بر زمان حال و نقش ذهن در ساخت گذشته و آینده، زمان را نشأت گرفته از حال، ایده‌پردازی می‌کند و زمان را امتداد ذهن می‌داند. وی حال امور گذشته را، ناظر به حافظه، حال امور حاضر را، ناظر به ادراک بلاواسطه و حال آینده را، ناظر

به انتظار می‌داند که وابسته به سه عملکرد انتظار، توجه و یادآوری در ذهن است که به ترتیب، به زمان آینده، حال و گذشته معنا می‌بخشد (اعتمادی‌نیا، ۲۰۱۴). جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴) یکی دیگر از افراد تأثیرگذار در این زمینه است. وی زمان را از منظر تجربه، بررسی می‌کند. در نگاه وی ایده‌ها (از جمله زمان) از دو سرچشمه می‌آیند: احساسات و عکس‌العمل‌ها (درک مفهومی، تفکر، استدلال و اختیار). در نگاه وی زمان یک ایده پیچیده است که بر لوح ذهن وارد می‌شود و ذهن با کمک حافظه و تاریخ ضبط شده، به درک زمان می‌پردازد. وی زمان را نوعی تغییر کمیت‌دار می‌داند که ذهن از طریق مفاهیم توالی و تداوم آن را درک می‌کند (فلسفه زمان، بی‌تاریخ).

تا پیش از دوران مدرن، دو برداشت از زمان به شرح زیر می‌باشد: زمان، به عنوان جنبه عینی و ذاتی جهان؛ و زمان، به عنوان یک سازه انسانی؛ اما در فلسفه مدرن با سردمداری امانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴ م) مسئله زمان به موضوع محوری در نظریه پردازی‌های آتی، بدل می‌شود. در آرای امانوئل کانت زمان، مفهومی ذهنی (شهودی درونی) است. در معرفت‌شناسی کانت قوای ذهنی بر سه نوع حسیات استعلایی، تحلیل استعلایی (فاهمه) و دیالکتیک استعلایی (عقل) است که دو عنصر زمان و مکان در نوع اول (حسیات استعلایی) قرار دارد؛ یعنی هر دو ذهنی‌اند و بر ادراکات حسی تجربی، مسلط هستند. در نگاه کانت، زمان صورت شهودی‌اند. در فلسفه کانت، زمان عبارت است از صورت ذهنی جریان و مرور حوادث بیرونی و درونی و مکان، عبارت است از: صورت ذهنی که با آن اشیا درک می‌شوند (پاپکین و استرول، ۱۳۸۹)؛ از این‌رو زمان و به تبع آن مکان، ذهنی‌اند و در خارج وجود ندارند (زمان حسی و تجربی). در نگاه کانت، زمان، خصوصیات اشیا و رویدادها نیست؛ بلکه خصوصیات ابزار ادراکی انسان است و رویدادها در چارچوب زمانی توسط ذهن، ادراک می‌شوند (فلسفه زمان، بی‌تاریخ، ۲۳). در نگاه کانت زمان و مکان مفاهیم تجربی ناشی از حس نمی‌باشد که بتوان برای آن مصداق عینی متصور شد. زمان و مکان، صورت و ساختار ذهن انسانی هستند و به عبارت دقیق‌تر یک نوع دید است (طاهریان، ۱۳۸۹). هگل (۱۷۷۱-۱۸۳۱ م) پس از کانت زمان و مکان را با دو واژه اینجا<sup>۲</sup> و اکنون<sup>۳</sup> به کار می‌برد و در حقیقت، هم‌اکنون معادل زمان و اینجا، معادل مکان کانت است. در نگاه هگل، زمان و همچنین مکان، پدیده‌های انضمامی و تاریخی هستند که در این فرآیند هرچه ذهن از نظر داده‌های حسی و تجربی ارتقا پیدا کرده باشد، انسان بیش‌تر شناسا می‌شود و زمان و مکان در فرآیند فرهنگی، ذهنی و روحی انسان تجربه می‌شود (غفاری، ۱۳۸۱).

پس از کانت و هگل با رخداد نظریه تکامل و نظریه نسبیت در قرن بیستم، بازخوانی در رویکردهای پیشین رخ می‌دهد. یکی از این افراد برگسون (۱۸۷۵-۱۹۴۱) می‌باشد. برگسون دو مفهوم‌سازی از زمان را مطرح می‌کند: ۱- تداوم ناشی از توالی حالات خودآگاه انسان در ارتباط با گذشته و شکل‌دهی به هویت (تداوم)؛ ۲- معنابخشی تداوم و توالی از طریق هندسه (زمان هندسی). وی برای تجربه زمان و فضا قالب شهود را بر می‌گزیند و میان زمان و مکان، تفاوت قایل می‌شود (فلسفه زمان، بی‌تاریخ، ۲۶). ساموئل آلکساندر (۱۸۵۹-۱۹۳۸) با ایده فضا-زمان، تنها راه ادراک زمان و فضا را شناسایی آنچه شامل آنها می‌شود و ارتباط میان آنها (یعنی مکان را با اشیا و زمان را با توالی رویدادها) رویکرد لاینیتیزی) و یا صرفاً زمان و مکان بدون محتوایشان بررسی شوند (رویکرد نیوتونی)، می‌داند. الکساندر برای شناخت، راه سومی را پیشنهاد می‌دهد و آن شهود است؛ ولی شهود آن با برگسون متفاوت است. برگسون زمان و مکان را ذاتاً متفاوت می‌داند؛ ولی الکساندر زمان و مکان را پیوند می‌داند (همان). گنورگ زیمل (۱۸۸۵-۱۹۱۸ م) نیز به‌عنوان یک نظریه‌پرداز اجتماعی، به بررسی فضا و زمان از منظر روان‌شناسی محیطی و شعار اجتماعی با تأکید بر نظریه مدرنیته می‌پردازد. وی متغیرهای بوم‌شناختی (عادت مدرن)، جهت‌گیری به زمان و اهداف (آگاهی مدرن)، ارزش‌های جمعی و فردی و دستاوردهای دلبستگی به مکان را در درک زمان، موثر می‌داند (Sullivan & et al. 2015).

یکی دیگر از فلسفه‌های مهم با‌امداری از آرای کانت، مربوط به مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶ م) می‌باشد که زمان را در پیوندی نزدیک با وجود انسان می‌داند. وی بحث زمان را در افق تاریخی بررسی و از تاریخ‌مندی هویت انسانی بحث می‌کند. وی بین زمان و زمانمندی، تفاوت قایل است. زمان امری اعتباری و وضعی است که قابل اندازه‌گیری با ساعت و تقویم است؛ اما زمانمندی، امری

هستی‌شناختی است و بدون آن هستی، دازاین (وجود انسانی) قابل تفسیر نیست. هستی، دازاین در حضور است، حضور هم به معنای حال و اکنون است و حال همراه با گذشته و آینده از وجوه زمانی‌اند. بر این اساس، وجود، به معنی حضور زمانی است. دازاین با زمان، وجود خود را زمانمند می‌کند (نجفی‌افرا، ۱۳۹۴). هایدگر (۱۳۸۹) بر اهمیت درک زمان در متن تجربه زیسته روزمره ما، تأکید دارد؛ از این‌رو، درک زمان ارتباط عمیق با تجربه انسانی و ساختارهای زندگی روزمره او دارد؛ از این‌رو نسبت انسان با زمان، با نسبت چیزها (اعم از اشیاء، مکان‌ها، فضاها، حیوانات) با زمان، متفاوت است. برای انسان زمانمندی و ارتباط با زمان در سه ساحت گذشته، حال و آینده تحقق می‌یابد؛ حال آنکه برای دیگر اشیاء تنها زمان حال واقعی‌اند.

### ۲-۳- رویکردهای پیرامون زمان

همان‌گونه که بررسی شد، در مورد زمان، رویکردهای مختلفی وجود دارد: مفهوم کلاسیک زمان (منطق ارسطویی)؛ مفهوم الهی زمان (منطق قرون وسطی)؛ مفهوم ذهنی زمان (مفهوم دکارتی-کانتی)، مفهوم بیولوژیکی زمان؛ مفهوم روان‌شناسانه زمان، مفهوم وجودشناسی زمان (آرای هایدگر)، مفهوم مدرنیته زمان (با آرای زیمل)، مفهوم کیهان‌شناختی زمان. در رویکرد کلاسیک به زمان، که تأکید بر زمان طبیعی و زمان الهی است، جهان شامل چیزهایی است و زمان در جهان جریان دارد؛ از این‌رو، چیزها در زمان تغییر می‌کنند، حجم دارند و فضا را اشغال می‌کنند. در این رویکرد زمان و فضا متمایز هستند. در زمان بیولوژیک، سه نوع زمان، تعداد چرخه‌های واحد در یک دوره، ... (Simchi, 2019).

### ۳-۳- مشخصه‌های زمانی در دوران معاصر

با تأکید بر حس زمان، مشخصه‌های مختلفی برای زمان، قابل شناسایی است که ابعاد آن را تعریف می‌کند. مهمترین پیش‌فرض‌ها در مورد زمان عبارتند از: ۱- درک انسان از زمان نسبی است و از این‌رو، زمانی مطلق وجود دارد که ما زمان نسبی را نسبت به آن می‌سنجیم؛ ۲- زمان، ساختار هم‌زمانی دارد؛ به این معنا که از یکسو ترتیبی دارد و توالی رویدادها (محور هندسی زمان) در آن معنادار است و از سوی دیگر وجود هم‌زمانی و تداوم (همگنی هندسی) در آن مطرح می‌شود؛ ۳- زمان به صورت ریشه‌ای با مفاهیم ثابت و متغییر عجین شده است (و این همان بعدی از زمان است که به مکان مربوط است)؛ ۴- زمان تغییر خلاقانه است که توسط ذهن درک می‌شود؛ ۵- (فلسفه زمان، بی‌زمان، ۴-۵-)

### ۳-۴- زمان، فضا و زمان-فضا

بر مبنای آرای فیلسوف آلمانی، کانت، فضا از زمان جداست. وی پرداختن به بُعد زمان را وظیفه‌ی تاریخ و بُعد فضا را به جغرافی دانان واگذار می‌کند. چنین موضوع‌گیری مشکلات بسیاری را برای هر دو گروه به دنبال داشته است؛ از یکسو در بیشتر متون تاریخی مکان‌ها به عنوان موقعیت‌های جغرافیایی مورد توجه بوده‌اند و از سوی دیگر مطالعات جغرافیایی و بررسی تغییرات مکانی مبتنی بر زمان است (Ellegård, 2018)؛ بر این اساس این جداسازی در عمل غیر ممکن است.

رویکرد به زمان-فضا: زمان به عنوان یکی از مولفه‌های مرتبط با فضا مقولات پایه‌ی هستی و بستر زندگی انسان را شکل می‌دهند؛ هر چند که زمان در حال حاضر برای انسان در ثانیه‌ها، دقیقه‌ها، ساعت‌ها، روزها، ماه‌ها، دهه‌ها، سده‌ها و دوره‌ها تعیین می‌گردد؛ اما از منظر فردی، امری نسبی و دارای ابعاد روان‌شناسانه می‌باشد. بررسی جامعه‌ی مدرن و پسا مدرن حاکی از آن است که در دوران مدرن سیطره‌ی فضا بر زمان، امری مسلم بوده است. با نقد این سیطره در دوران پسا مدرن؛ تعبیر از فضا و زمان، در پیوند با فرآیندهای سیاسی-اقتصادی و فرهنگی و نقش آن در حیات اجتماعی، مورد توجه قرار می‌گیرد (هاروی، ۱۳۹۰، ص. ۲۶۴). بر این اساس مفاهیم

عینی فضا و زمان ضرورتاً از مجرای کنش‌ها و فرآیندهایی خلق می‌شوند که در خدمت بازتولید زندگی اجتماعی هستند (همان، ص. ۲۶۷).

رویکرد فضا-زمان ابزاری مفهومی و سیستمی نمادین را برای بررسی فرآیندهای تحول اجتماعی فراهم می‌آورد. این رویکرد، ابزاری برای تجزیه و تحلیل اینکه چگونه یک نیاز و نیازهای مشابه به‌گونه‌ای متفاوت به مکان و زمان و افرادی که این فعالیت‌ها را انجام می‌دهد، وابسته هستند (Ellegård, 2018, P.3). ایده‌ی وجود زمان و فضا برای هر چیز، اعم از کنش‌های روزمره را، باید در آرای هاگراسترنند و مسیر زندگی در زمان و فضا، دانست. در این دیدگاه ایده‌ی رفتار زمانی-فضایی با مفهوم جابه‌جایی (جابه‌جایی‌های روزانه تا مهاجرت) آغاز می‌شود. این طرح‌واره، توصیف کارآمدی از چگونگی تحقق زندگی هر روزی افراد در زمان و فضا است؛ اما به چگونگی و چرایی تولید فعالیت‌ها، قلمروها، ایستگاه‌ها و فواصل نمی‌پردازد (هاروی، ۱۳۹۰، ص. ۲۶۷ و ۲۷۸). به بیانی دیگر نمایشی از فعالیت‌ها برای دستیابی به اهدافی است که در زمان و مکان، بین افراد و منابع و ابزار، تحقق می‌یابد؛ براین اساس تعیین موقعیت افراد و منابع و چگونگی ارتباط میان آن‌ها (مبتنی بر الگوی ارتباط عمودی یا افقی جامعه) ضروری است. این امر مبتنی بر زوجیت زمان-فضا، انجام می‌پذیرد (Ellegård, 2018). افزون بر این رویکرد، می‌توان به رویکردهای اجتماعی-روان-شناختی و پدیدارشناختی زمان و فضا با آرای دوسرتو، باشلار، بوردیو و فوکو نیز اشاره کرد، که مبتنی بر تبیین است (هاروی، ۱۳۹۰، ص. ۲۷۸)؛ براین اساس دو رویکرد فضا-زمان قابل شناسایی است: رویکرد زوجیت در زمان-فضا (مبتنی بر دیدگاه مدرن و اسطوره‌شناسی) و رویکرد گسستگی در زمان-فضا (مبتنی بر دیدگاه پسامدرن و تبیین).

انواع زمان: آن‌چه در مورد انواع زمان حائز اهمیت است توجه به بعد سابعکتیو زمان است؛ به این معنا که زمان توسط افراد مختلف و به روش‌های مختلفی تجربه می‌شود (Ellegård, 2018, P.13). یکی از نظریه‌پردازان در این عرصه گورویچ است. وی هشت‌گانه‌ای را برای انواع زمان اجتماعی، که به لحاظ تاریخی شکل گرفته‌اند، بر می‌شمارد (هاروی، ۱۳۹۰، ص. ۲۹۳).

جدول شماره ۱: انواع زمان

گونه زمان	سطح	شکل	فرم اجتماعی
زمان جاودان	بوم‌شناختی	زمان پیوستاری/ فرافکنی قومیت محلی و خویشاوندی/ ساختار پدرسالاری/ جوامع زمان	روستایی
زمان فریبنده	جوامع سازمان‌یافته	زمان‌های غیرمنتظره و بحرانی	جوامع شهری و سیاسی/ ساختار دین سالار و فرهنگ
زمان بی‌ظم	نقش‌های اجتماعی	زمان‌های نامتعیین و پیشامد	جوامع غیرسیاسی و اجتماعی/ ساختار طبقاتی
زمان دوری	واحد‌های رازوارانه	زمان‌های متداوم و متغیر	جوامع باستانی/ ساختار اسطوره‌ای
زمان کند	نمادهای اجتماعی	زمان‌های موقت	جوامع محلی/ ساختار نمادین
زمان تناوبی	قواعد و قوانین جمعی	زمان‌های گسسته	جوامع اقتصادی/ ساختارهای گذار (نظیر سرمایه‌داری و ...)
زمان انتظار	پیشا نوآوری و عمل دگرگون‌کننده‌ی زمان گسسته نامتعیین و جمعی	پیشامد	جوامع رقابتی/ ساختار سوداگرایانه
زمان انفجاری	غلبان انقلابی و خلاقیت جمعی	زمان آنی و تعین‌شده	جوامع انقلابی/ ساختار جهانی

مأخذ: گورویچ به نقل از (هاروی، ۱۳۹۰، ص. ۲۹۳).

### ۳-۵- سیر تکامل زمان در تمدن‌ها و زیستگاه‌های بشری

برگرفته از آرای پرادل (۲۰۱۲) سیر تکامل مفهوم زمان و عوامل موثر بر آن در تفکر بشری در ۵ دوره مشخص زمان طبیعی و مذهبی روزانه؛ زمان بازرگانان؛ زمان صنعتی و زمان پیوستار شبکه جهانی قابل تمایز است.



### زمان طبیعی و مذهبی روزانه:

(زمان ماورایی و بهشتی) متولّی آن، زندگی روستایی و زمان دهقانان و کشاورزان است. در این زمان چرخه خورشید، ماه، سپیده دم، روز، شب، غروب تثبیت‌کننده جامعه است و جامعه دهقانی تا قرن ۱۵ میلادی مروج آن است. کشاورزان ریتم‌های خود را از طریق عرضه‌ی غذا یا کار در مزارع، دیکته می‌کنند. در این دوران بخشی از جمعیت بیکار در شهرها به روستاها جذب می‌شوند. این اتفاق در پای باروهای شهر اتفاق می‌افتد و روز صنعتگر نیز با طلوع و غروب خورشید، تعیین می‌شود. در این دوران، وقایع طبیعی عنصر اساسی، برای تغییر ریتم (کندشدن فعالیت‌ها و یا توقف آنها دارد). در این دوران پوشش گیاهی، بخش اصلی زندگی و فضای روزانه است و شب شهر را به محیطی متخاصم بدل می‌کند و توقف فعالیت‌ها را دیکته می‌کند. در این دوران افزون بر تغییرات طبیعی، تقویم جولیانی و ۷ دفتر آن، نقش موثری بر زندگی صومعه و کلیسا داشت. روز شنبه در سال ۳۲۱ توسط امپراتور کنستانتین، به عنوان روز استراحت اعلام شد و بعدها کلیسا برای کنترل منظم زمان اقتصادی و اجتماعی و اعلام برخی مراسم مذهبی (عشای ربانی، غسل تعمید، مرگ، خطر، آتش‌سوزی و ...) از صدای ناقوس در ساعات مشخصی استفاده کرد.

### زمان بازرگانان:

(در خدمت شهر) در این دوران و به دنبال توسعه شهرهای شبکه‌ای و بازار مبادله و به منظور توسعه اقتصاد بازار، بین قرن ۱۴ تا ۱۶ میلادی و به دنبال گسترش جغرافیایی بازارها با افزایش دامنه مبادلات، میزان پیچیدگی جوامع بیشتر می‌شود. در این شرایط امکان نظارت بر معاملات، الزامی است و لزومی بر اصلاح و منطقی‌سازی نمادهای اجتماعی زمان می‌باشد. در این دوران تجلی تقویم سیاره‌ای را شاهد هستیم. با رشد روزافزون شهرها و توسعه‌ی تجارت و لزوم ساماندهی اوقات اجتماعی و لزوم وجود مقررات جدید برای زمان مبادله، به منظور تحقق مبادله‌ی رقابتی منصفانه، زمان به یک موضوع کلیدی، بدل گردید. در این دوران، مدت زمان سفر از یک مکان به یک مکان دیگر، تغییرات قیمت حین یک فرآیند تجاری و تولید، مدت زمان کار صنعتگری و شکل‌گیری یقه آبی‌ها، موضوع مقررات می‌شود. در این دوران، زمان با منطق ریاضی، در جهت حمایت از رابطه‌ی تولیدکنندگان و بازرگانان قرار می‌گیرد و در این راستا، دستگاه نمادین زمان، در قدرت طبقه‌ی بازرگانان می‌باشد. در این دوران زمان، ابزار هماهنگ‌کردن فعالیت‌ها و اندازه‌گیری و سازماندهی مبادلات است. در این دوران، هنوز زمان، با اوقات شرعی (آنچه کلیسا دیکته می‌کند)، هماهنگ است. در این دوران ساعت‌ها، در شهرهای ایتالیا توسعه و گسترش می‌یابد. در این دوران (قرن ۱۴)، ساعت‌ها، در اقامتگاه‌های شاهزادگان و قلعه‌ها نیز ظاهر می‌شود و سپس در قرن ۱۵ میلادی به سرعت، ساعت در اشکال ساعت‌های عمومی که برای مقاصد حرفه‌ای و برای یک طبقه خاص می‌باشد، گسترش می‌یابد. در این دوران، دیگر ساعت، ابزاری برای اطلاع‌رسانی توالی دعا و مناسک نیست؛ بلکه نمایشی از ساعت جمعی است که به ابزاری برای تسلط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بازرگانان، سرمایه‌داران و گاه بورژوازی‌ها که بر کمون‌ها حکومت می‌کنند، می‌باشد. ساخت ناقوس‌هایی که با نواختن خود و با هدف پاسخگویی به نیازهای معاملات تجاری و کار و هماهنگ‌کردن تجارت و صنایع شهری، تعیین تعطیلات کارگران، ساعات خرید و فروش و ترافیک در خیابان‌ها گسترش می‌ابد. در این دوران، زمان زندگی روزمره، با حمایت طبقه بورژوا و شهری و با فاصله‌گرفتن از زمان مذهبی و روستایی، واجد ارزش می‌شود. در ادامه در قرن ۱۷ میلادی، با تسلط قدرت نهادهایی چون شهرداری، زمان شهری، با حضور ساعت زنگ‌دار در تالار شهر و روبروی ناقوس کلیسا و پادگان سلطنتی به دنبال دین‌زدایی از زمان، برمی‌آید و در این دوران، شهرداری زمان سکولار را برای شهرها تعیین می‌کند که در آن فعالیت‌ها و نهادهای شهری سازماندهی می‌شوند. در این دوران چرخه‌های مکانیکی و روزانه در مقیاس ثانیه‌ها و دقیقه‌ها و ساعت‌ها تجسم می‌یابند. در این دوران برای رفع مشکلات و برای فرآیند یکپارچه‌سازی تقویمی جهانی ظهور می‌یابد. در این دوران تنوع وقایع شهری، یک سازمان زمانی چندوجهی را، ایجاد می‌کند که هم ناقوس کلیسا و هم شهرداری، هم‌زمان باهم (گاهی در رقابت و گاهی مکمل یکدیگر) هم زمان و هم رویدادها را، اعلام می‌کنند.



## زمان صنعتی:

(زمان به عنوان ابزاری برای سوآوری) با رخداد انقلاب صنعتی و توسعه حمل و نقل و ظهور سرمایه‌داری سودآورکردن کار در مرکز توجهات قرار می‌گیرد. در این دوران با گسترش ساعت در اندازه‌های کوچک و توسعه‌ی استفاده از آن، یک رابطه جهانی شده استاندارد، به تدریج ظاهر می‌شود. از قرن ۱۸ به صورت علمی، ساعت، مورد توجه قرار می‌گیرد. سرعت راه‌آهن و لزوم هماهنگی ایستگاه‌ها در سطح ساعت و سپس دقیقه چرخه‌های محلی را به سمت یکپارچه‌سازی و تغییر ریتم زندگی از روز به ساعت می‌شوند. در این دیدگاه، زمان ساعتی به یک چارچوب مشترک قابل فهم تبدیل می‌شود که فراتر از خاستگاه شهری است. در این دوران تعداد بیشتری از نهادها و افراد می‌توانند آن را اندازه‌گیری کنند و اندازه‌گیری آن دیگر در انحصار نهاد خاصی که دارای اقتدار است، نمی‌باشد؛ بلکه در این دوران ابزاری است که همه می‌توانند فعالیت‌های خود را بر اساس آن تنظیم کنند. این نقطه را می‌توان آغاز فردی شدن تسلط بر زمان دانست؛ در این دوران، فرد در یک چارچوب جهانی قرار می‌گیرد و در حقیقت، زمان، به یک هنجار که می‌تواند به صورت فردی متناسب با فعالیت‌های فردی تغییر کند و دیگر وابسته به امور طبیعی، ماورایی و یا مبادله نمی‌باشد، تعبیر شود. در این دوران، دیگر محدودیت‌های ریتم‌های سنتی فعالیت‌ها، تابع دو رکن طبیعت و مذهب نمی‌باشد. در این دوران، زمان، یک ابزار فنی است که بر اساس نیازهای تولید و تصاحب ارزش افزوده، کار تعیین می‌شود. در این دوران، دقت، رکن اصلی و در خدمت سرمایه‌داری است. در این دوران، زمان دیگر، نقش حاشیه‌ای که در ارتباط با امور طبیعی، دینی و سیاسی است، ندارد؛ بلکه رکن اصلی در تعیین روابط اجتماعی است. در این دوران زمان سرمایه‌داری به‌عنوان محور سایر زمان‌های اجتماعی، سازمان‌دهی می‌شود و بیرون کارخانه‌ها، ساعت‌هایی که در نما و یا ناقوس‌های بزرگ هستند و یا از طریق آژیرها به کارگران، زمان کار را نمایش می‌دهند، دیده می‌شوند و در داخل کارخانه‌ها ساعت‌ها با کورنومتر به ابزاری، برای محاسبه جریمه‌های اتلاف وقت و پرداخت حق‌الزحمه‌ی کار بود. در این دوران، ایده‌ی تولید مستمر، رویای سرمایه‌داری صنعتی است که بر زمان اجتماعی و زمان کار، سایه می‌اندازد. در این دوران، توسعه‌ی سیستم‌های گرمایش و روشنایی گازی در کارخانه‌ها، امکان ساماندهی زمان کار را، مستقل از عوامل فصلی و با طبیعی فراهم می‌آورد و زمان صنعتی، فارغ از روز و شب و گرما و سرما، ساعات کار را شکل می‌دهد. در این دوران، زمان، ابزاری در خدمت صنعت است که ریتم‌های چرخه‌ای جمعی، در آن به حوزه‌هایی، غیر از تولید و کارکرد منتقل می‌شود و در این دوران است که همه چیز در راستای رد حق تبلی شکل می‌گیرد. فشارهای ناشی از کار در کارخانه‌ها و مسائل اجتماعی ناشی از آن، مخالفت‌های سیاسی را با نظام تولیدی سرمایه‌داری به دنبال داشت که لزومی بر ساماندهی مجدد قوانین کار، برای کاهش فشار زمان صنعتی و کار را به دنبال داشت و از سویی دیگر زمان دموکراتیک که به دنبال آزادسازی زمان استراحت فردی بود را، فراهم آورد. این میانجی‌گری، میان زمان مولد اقتصادی و آزادی‌سازی زمان استراحت فردی، پایه‌های یک چارچوب زمانی جمعی را، ایجاد کرد که باید توسط یک دولت نوپا، اجرایی می‌شد. دولت نوپایی که به دنبال سلب تسلط صنعتگران بر زمان، برای حفظ آرامش اجتماعی و ساماندهی نیروی کار باشد. در قرن ۲۰ میلادی، این امر، توسط دولت با ایجاد، رفاه کم و بیش محقق شد. در این دوران، ریتم‌های کار، در کنار ریتم‌های فراغت (هفتگی و سالانه) با مفهوم مرخصی با حقوق، ساختار بندی می‌شود (۱۹۳۶ میلادی). در این دوران، کارگران با بهره‌گیری از تعدیل‌های فوردیستی پس از جنگ، با دریافت دستمزدهای منصفانه، نارضایتی‌های ناشی از سازمان تیلوریستی را شاهد هستند. در این دوران، ساعات مدرسه، کار، اوقات فراغت با خانواده در یک چارچوب مشترک و پایدار، ساختار بندی می‌شوند. در این دوران، ظهور شبکه‌ی بین‌المللی اقتصادها و ظهور زمان مستمر، دیگر جوابگوی ارتباطات بین‌المللی نبود. در سطح ملی اگر ساماندهی زمان، وابسته به حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و نمایندگان حوزه‌های کار بود، مقررات در سطح بین‌المللی برای دستیابی به یک وحدت رویه در مواجهه با تنوع اقتصادی و فرهنگی، چارچوب‌های دیگری را ایجاد می‌کند. در این دوران، برای یکپارچه‌سازی، سیستم دیگری لازم است تا از یکسور ریتم‌های جمعی ملی را با ریتم‌های جمعی بین‌المللی، هماهنگ سازد. در این دوران ریتم‌های

جمعی مبتنی بر تولید، با ریتم‌هایی مبتنی بر مصرف تلاقی می‌شود؛ به بیانی دیگر در این دوران، زمان مبتنی بر فرهنگ و هویت تولید می‌شود.

#### زمان پیوسته شبکه بازارهای جهانی (زمان مجازی تصاحب‌کننده‌ی واقعیت؛ زمان شبکه‌ای):

پس از افول زمان صنعتی به واسطه‌ی گسترش‌های جهانی، زمان شبکه مبتنی بر بازار جهانی تحت سلطه‌ی منطق فنی-اقتصادی، باعث ظهور ساختاربنندی جدیدی در زمان می‌شود. شهرهای شبکه‌ای، متولّی این زمان پیوسته هستند. در این دوران سیستم‌های مختلف زمان جهانی تجلی می‌یابد. در سال ۱۹۷۲ پذیرش زمان جهانی هماهنگ<sup>۴</sup>، این زمان را مستقل از منابع طبیعی، اجتماعی و زمینه و همچنین مکانیکی مطرح می‌کند. این زمان ورای مناطق زمانی و مرزهای جغرافیایی است. در این دوران اقتصاد محلی در اقتصاد جهانی ادغام می‌شود و در این دوران تغییر اقتصاد صنعتی به اقتصاد خدماتی، از مهمترین عوامل دگرگونی عناصر می‌باشد. در چارچوب زمانی قرن ۲۰ میلادی، تسریع ریتم‌های ارتباطات و آنی اطلاعات زمان و فضا را قبضه (منقبض) می‌کند. با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات<sup>۵</sup> و گسترش حمل و نقل، عرضه و تقاضا از نظر جغرافیایی از یکدیگر دور می‌شوند. تقاضا از زمان‌بندی‌ها و موقعیت‌های جغرافیایی تبعیت می‌کند؛ اما عرضه‌ی مداوم به همگام‌سازی و باز همگام‌سازی با آن می‌پردازد؛ از این رو بازار جهانی، همیشه باز است و چنین شرایطی، ریتم عرضه را از ریتم‌های قدیمی زندگی اجتماعی و حوزه‌های فرهنگی که افراد سازنده‌ی آن، به آن وابسته هستند، دور می‌کند. سیستم اقتصادی و تولیدی مبتنی بر سرعت و سیّالیت است که کوتاه‌مدتی و واکنش‌پذیری را به‌عنوان ارزش در نظر می‌گیرد. با ارزش‌گذاری به فوریت، به یک هنجار رقابتی بدل می‌گردد که اولین محرک مزیت است. چنین زمانی، مانند یک انسفالوگرام (نوار مغزی) مسطح، ممتد، بدون ریتم و بدون وقفه است که بر ریتم روزانه و سالانه افراد و جوامع و فراتر از ریتم طبیعی روز و شب در جوامع عینیت می‌یابد. در این دوران زمان شبکه‌ای در تامین نیازهای اجتماعی و محلی، ناتوان است و در نتیجه ریتم اجتماعی که به دنبال نمایشی از لحظات خاصی است که انسجام اجتماعی را در یک تداوم زمانی که بر عملکردهای روزانه، هفتگی و یا سالانه شهرها و ساکنین آن استوار است، تضعیف می‌شود. ویژگی‌های عام این زمان عبارتند از: زمان پیوسته، زمان مجازی، زمان بورسی و مبتنی بر شبکه‌های مالی غیر مادی، زمان پرشتاب، زمان فارغ از جغرافیا و مرزهای فیزیکی، زمان فردی. و شهرهای مبتنی بر این زمان، باید با الزامات زمانی فضای تجارت جهانی، همگام باشند تا از ثروت دنیای بازار به حاشیه نروند.

چرخشی تاریخی از یک نظم متعادل مبتنی بر دوره سنتی، به یک نظم آشفته‌ی مبتنی بر دوران مدرن، ایده‌ی زمان و نقش آن در ساخت و تولید فضا و مکان را، دچار تغییر نموده است. تغییر زمان از ریتم چرخه‌ای فصلی در دوران کشاورزی، به ریتم خطی منظم در دوران صنعتی و بعدها ریتم متکثّر در دوران جوامع ۲۴ ساعته جهانی، مبتنی بر مصرف‌گرایی در ساخت مکان و تجربه‌ی فضا و مکان در زندگی روزمره تأثیر بسزایی دارد. نظم زمانی متعادل، مبتنی بر عادت‌های برگرفته از طبیعت در گذشته و بی‌نظمی در زمان به واسطه‌ی انعطاف‌پذیری بی‌پایان در جوامع اکنون جریان‌های فکری متفاوتی را در علوم سیاسی، اجتماعی و محیطی (به ویژه جغرافیا، معماری، شهرسازی) راه، باعث شده است. با محوریت علوم اجتماعی و محیطی می‌توان به آرای مارکس تا دورکیم؛ زیمل تا آرنت، الیاس تا گیدنز به صورت عام و به طور خاص به ایده‌ی هاگراسترند (با نظریه پخش فضایی)، باختین (با ایده‌ی کروونوتوپ)، لوفور (با ایده‌ی ضرب‌آهنگ کاوی)؛ هاروی (با ایده‌ی فشردگی زمان-فضا) اشاره کرد.

#### ۴- یافته‌های پژوهش

آنچه در بخش پیشین بیان گردید، مروری کلی بر مفهوم زمان و ویژگی‌های آن، در دوران معاصر است. در این بخش با بررسی منابع کتابخانه‌ای و نظریات کلیدی، مروری بر گفتمان‌ها و نظریات فکری درباره‌ی زمان و مطالعات فضایی در دو بخش مرور جهانی و ایران انجام می‌گیرد.

#### ۱-۴ - مرور بر جهان

##### ۱-۱-۴ - گفتمان‌های فلسفی (نظریات) غالب دربارهٔ زمان در دوران معاصر

در فلسفه معاصر مسئلهٔ زمان و بافتار آن به تأثیر از ایده‌پردازی پیرامون مفهوم تداوم و توالی، بسط پیدا می‌کند. تداوم از حضور هم‌زمان گذشته، حاضر و آینده قابل درک است و به طور جدی بر مفهوم تغییر، استوار است و تنها در چهارچوب زمانی، قابل درک شود؛ اما توالی تمایز لحظات از یکدیگر است. برای درک تداوم، زمان، دارای دو چهارچوبِ زمانِ درونی و زمانِ بیرونی است. ایده‌پردازی پیرامون تداوم و توالی زمان در خلال بررسی‌های منابع مختلف (Emery and etal., 2021; W., Zimmerman, 2007, 2005; Tallant, 2015; Conitzer, 2020; Grandjean, 2021; Deke, 2011; Deng, 2018; Shardlow and etal., 2021) در دو نظریهٔ فلسفی و دو نظریهٔ فیزیکی و یک نظریهٔ روان‌شناسی قابل دسته‌بندی است، که در مبانی فکری-فلسفی معماری و شهرسازی دوران معاصر تأثیرگذار هستند:

**نظریه A زمان<sup>۶</sup>:** این یک نظریه‌ی فلسفی است که معتقد است، زمان، یک ویژگی عینی جهان و مستقل از ادراکات یا تجربیات انسان است. بر اساس این نظریه، زمان، بُعدی است که به صورت خطی (با ابتدا و انتهای مشخص) جریان دارد و هر لحظه به طور منطقی از لحظه‌ی قبلی پیروی می‌کند و در یک رابطهٔ علت و معلولی منطقی، بدون شکافت و ناپیوستگی جریان دارد. این نظریه، ریشه در آرای فیلسوفان یونانی (به‌ویژه ارسطو و افلاطون) دارد. این نظریه بعدها توسط فیلسوفانی، چون آگوستین، امانوئل کانت و مارتین هایدگر بسط می‌یابد. این نظریه در قرن بیستم با توسعهٔ نظریه نسبیت آلبرت انیشتین به چالش کشیده می‌شود. بر اساس نظریه انیشتین، زمان، مطلق نیست و بلکه نسبت به ناظر متغیر است.

**نظریه B زمان<sup>۷</sup>:** این نظریه‌ی فلسفی دیگری است که نگاه متفاوتی به زمان دارد. بر اساس نظریه B، زمان، یک ویژگی عینی جهان نیست؛ بلکه روشی برای توصیف روابط بین رویدادها است. در این دیدگاه، زمان، بُعدی نیست که جریان داشته باشد؛ بلکه مفهومی است که انسان از آن برای توصیف ترتیبی که اتفاق می‌افتد و همچنین برای معنا بخشیدن به تجربیات خود استفاده می‌کند. در این نظریه به جای توالی زمانی، روابط منطقی بین رویدادها درک می‌شود. نظریه نسبیت و نظریه کوانتومی، دو نظریه تأثیرگذار بر این اندیشه هستند.

**نظریه جهان بلوکی زمان<sup>۸</sup>:** این نظریه‌ای در فیزیک است که نشان می‌دهد، زمان، یک مفهوم خطی نیست؛ بلکه راهی برای توصیف روابط بین رویدادها در یک پیوستار فضا-زمان چهار بُعدی است. بر اساس این نظریه، همه رویدادهای جهان به یک اندازه واقعی هستند و زمان، صرفاً راهی برای توصیف لحظات مختلف در تاریخ جهان است.

**نظریه چندجهانی<sup>۹</sup>:** این نظریه‌ای در فیزیک است که نشان می‌دهد، ممکن است، جهان‌های متعددی وجود داشته باشد که هر کدام مجموعه‌ای از قوانین و ویژگی‌های فیزیکی منحصر به فرد خود را دارند. برخی از نسخه‌های این نظریه نشان می‌دهند که زمان، ممکن است در جهان‌های مختلف متفاوت عمل کند یا ممکن است جهان‌هایی وجود داشته باشند که زمان اصلاً وجود نداشته باشد.

**روان‌شناسی زمان<sup>۱۰</sup>:** این یک زمینه مطالعاتی است که به بررسی چگونگی شکل‌گیری درک ما از جهان توسط ادراکات و تجربیات ما از زمان می‌پردازد. بر اساس برخی نظریه‌ها در این زمینه، احساس ما از زمان ارتباط تنگاتنگی با احساس ما از خود و تجربیات ما از دنیای اطراف دارد. این شاخه به بررسی ۴ عامل زیر می‌پردازد: ادراک زمانی: چگونگی درک افراد از گذشت زمان و طول مدت رویدادها؛ جهت‌گیری زمانی: مطالعه نگرش‌ها و رفتارهای افراد نسبت به گذشته، حال و آینده و اینکه چگونه این جهت‌گیری‌ها بر تصمیم‌گیری و تعیین هدف آنها تأثیر می‌گذارد؛ آگاهی از زمان: آگاهی از زمان و تأثیر آن بر توجه، انگیزه و تجارب عاطفی؛ پردازش زمانی: مکانیسم‌های شناختی درگیر در پردازش و سازماندهی اطلاعات زمانی (Carneiro and etal., 2021). یکی از نظریه‌پردازان کلیدی در این زمینه زیمل است.

این نظریات عام پیرامون زمان با تأکید بر نقش معماری و شهرسازی در تولید فضا محالی برای تکثیر ایده‌پردازی در این دو حوزه را فراهم کرده‌است. ایده‌های گیدیون، هایدگر، لوفور، هاروی، سوچا نمونه‌ای از این تلاش‌ها می‌باشد.

#### ۴-۱-۲- گفتمان‌های فلسفی (نظریات) غالب دربارهٔ زمان در مطالعات فضایی دوران معاصر

از قرن بیستم در غرب گفتمان‌های فلسفی مختلفی در سه دوره بر مطالعات فضایی تأثیرگذار بوده‌اند. از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون که شامل دورهٔ دوم قرن بیستم می‌باشد؛ غرب (به‌ویژه آمریکا) با محوریت روابط میان پرکتیک اجتماعی-اقتصادی و الگوهای فضایی و شکل‌های ساخته شده (فرم‌های ساختمانی و شهری) به تعمیم نظریات جامعه‌شناختی به مطالعات فضایی کرده‌است. با امداری از آرای الکساندر کاتبرت در آغاز این دوران، تأکید بر آزمون‌پذیری تجربی و دوری از واکنش‌های ارزشی با گفتمان‌های نو مارکسیسم، نو کانت‌گرایی و نو نیچه‌گرایی می‌باشد؛ علاوه بر این، شاخهٔ عقلانیت مبتنی بر تئوری جامعه‌شناسی وبری، نشانه‌شناسی (معناداری) فردینال دو سوسور، تجربه شهری و رمزگان تاریخی والتر بنیامین، پدیدار شناسی هوسرل، دکانستراکشن (ساخترشکنی) فوکو و اقتصاد سیاسی مارکس بنیان نظریه‌پردازی‌های اواخر قرن بیستم (دههٔ ۷۰ میلادی) می‌شود. در این دوران است که پل نظری روندهای اجتماعی به الگوهای فضایی کشیده می‌شود (کاتبرت، ۲۰۰۶). در این دوران زمانمندی فضایی در گفتمان‌های فلسفی به مثابهٔ فرآیندی است که دلالت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فردی در مقیاس‌های محلی و جهانی پیدا می‌کند (ترتیمان و شاو، ۲۰۰۹).

ریشه‌یابی مکاتب در دوران معاصر غرب (کاتبرت، ۲۰۰۶) با محوریت نشان می‌دهد که چند مکتب اندیشه‌ای یا جنبش پیش‌تاز که تمام جنبش‌های معماری و دیگر زمینه‌های طراحی را در این دوران بنیان می‌گذارند، عبارتند از: وین، فرانکفورت، شیکاگو، باوهاوس، پاریس و لس‌آنجلس. در این میان برخی، سعی در ترسیم نقش زمان در تولید و ساخت فضا و مکان دارد؛ به‌گونه‌ای که مشخصات زمانی یک مکان به عنوان ویژگی ذاتی آن در نظر گرفته و بر اساس عوامل مختلف آشکار و پنهان ناشی از زمینه و عوامل موثر بر مکان‌سازی شکل می‌گیرد (Osman & Mulíček, 2017). ایده‌های اولیه، مانند ایدهٔ محدودیت توسط سورکین (۱۹۴۷) که بعدها توسط هارگستراند و تریفت و دیگران بسط پیدا می‌کند؛ ایده‌هایی مثل بودجه زمانی مایر (۱۹۶۲) و جغرافیای زمانی هارگستراند و همکارانش (۱۹۶۰) را نیز می‌توان آغازگر مطالعات معاصر زمان و مکان دانست. در دهه‌های بعدی به ویژه دههٔ ۸۰ میلادی مطالعات ابعاد گسترده‌تری می‌یابد. ایدهٔ زمان در محیط انسان‌ساخت (اعم از زمان زیست‌شناختی، اجتماعی و روان‌شناختی) و تحلیل مکان بر اساس ویژگی‌های زمانی توسط لینچ (۱۹۷۲)، زمان فرهنگی توسط تریفت (Parkes & Thrift, 1975)؛ ایدهٔ نشانه‌گرهای زمانی (Calkins, 1968)؛ ایدهٔ ضرب‌آهنگ‌کاوی لوفور (۲۰۰۴)، نمونه‌هایی از این ایده‌های زمانی است.

هر کدام از این ایده‌ها به تنهایی و یا در ترکیب بایکدیگر ایده‌های متنوعی را در گفتمان فضایی باعث شده‌است. که بیش از هر چیزی امدار تلاش نظریه‌پردازان دوران پسامدرن برای حل مسئلهٔ زمان و فضا ناشی از جنبش‌های مختلف مدرنیسم می‌باشد. مهمترین مسئلهٔ‌های پیش روی زمان و فضا در دوران معاصر بر اساس مطالعات دیوید هاروی (۱۳۹۰) عبارتند از:

- غلبهٔ فضا بر زمان و سلطهٔ اندیشهٔ زیباشناختی؛
- عدم تطابق سیستم ادراکی انسانی برای مواجهه با فضاهای فراسه بعدی؛
- تولید فضا و زمان به واسطهٔ کنش و فرآیندهای اجتماعی متنوع برخاسته از شیوه‌های مختلف شهری شدن، تفاوت‌های جغرافیایی و تاریخی و .... (فرماسیون اجتماعی).

#### ۴-۱-۳- دو سنت اصلی (میراث فکری) در ایده‌پردازی پیرامون فضا و زمان در دوران معاصر

بررسی آرای نظریه‌پردازان دوران معاصر به‌ویژه دیوید هاروی (۱۳۹۰) دو سنت اصلی را در این زمینه نشان می‌دهد:

- ۱- سنت اول مبتنی بر نظریه‌های اجتماعی (فضامندسازی زمان): در این میراث فکری که زمامداری آن را آرای مارکس، وبر، آدام اسمیت و مارشال بر عهده دارند؛ زمان بر فضا اولویت دارد. در این میراث نوعی نظم فضایی برنامه‌ریزی شده و قابل پیش‌بینی

لازم است که در آن فرایندهای زمانی عمل می‌کنند. در این سنت فضا دیگر، نه عنصر اصلی رخداد کنش‌های انسانی، بلکه تنها ظرف ایستای رخداد کنش، حساب می‌شود. بیشتر نظریه‌های زیباشناختی با این سنت در ارتباط هستند. در این سنت فکری با تأکید بر فرآیند تحول اجتماعی، مدرنیسم و انقلاب (فنی، اجتماعی، سیاسی) واژه پیشرفت و ترقی بر فضا و تمامی موانع فضایی غلبه می‌کند و سرانجام فضا با زمان حذف می‌گردد. این سنت فکری بر موقتی بودن، تصادفی بودن و فرآیند شدن به جای بودن در فضا تمایل دارد. در این سنت فکری، معمار و طراح با آمريت و از طریق ایجاد نوعی شکل فضایی، ارزش‌های معینی را، انتقال می‌دهد و این نشان از فضا‌مندی معین و قطعی دارد.

۲- سنت دوم مبتنی بر زمان‌مندی فضا: در این میراث فکری با زمان‌مندی نیچه، هایدگر فیلسوف آلمانی، ژاک دریدا بر معناداری فضا و زمان، توسط مردم و مبتنی بر قدرت اسطوره (خاک و خون، نژاد و سرزمین، سرنوشت و مکان و به بیانی دیگر ملی‌گرایی) تأکید می‌شود. در این سنت تأکید بر زیباشناختی‌سازی مشخصی از سیاست مبتنی بر نقش برجسته اسطوره‌ی مکان و اشخاص است.

#### ۴-۱-۴- عناصر کلیدی در نظریات زمان در گفتمان فضایی معاصر (با تأکید بر دوران پسامدرن)

با استناد به مطالعات تریفت و پارکرز (۱۹۷۵) به عنوان مطالعاتی که چارچوب مفهومی این نظریه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، معیارهایی اصلی برای ایده‌پردازی پیرامون زمان در فضا و شهر را در دوران معاصر وجود دارد که سه تا از مهمترین آنها که نظریات کلیدی قرن ۲۱ را هدایت می‌کند، عبارت است از: زمان‌مندی؛ ضرب‌آهنگ و محدودیت‌ها.

#### ۴-۲- مروری بر ایران

اگرچه در ادبیات فلسفی ایران به ویژه در دوران اسلامی بحث زمان از ارکان بنیادی در نظریه‌پردازی‌های فلسفی بوده‌است؛ اما در دوران معاصر، این امر به‌ویژه در نظریات معماری و شهرسازی، بیش از هر حوزه‌ای مغفول مانده‌است؛ از این‌رو، در این ادامه به بررسی گفتمان‌های فلسفی غالب صرف‌نظر از مفهوم زمان پرداخته می‌شود و سپس به تحلیل مفهوم‌پردازی پیرامون زمان در این نظریات پرداخته می‌شود.

#### ۴-۲-۱- گفتمان‌های فلسفی (نظریات) غالب در معماری و شهرسازی ایران معاصر

کاوش پیرامون گفتمان‌ها و نظریه‌های معماری و شهرسازی ایران به صورت مکتوب، موضوعی است که جز در چند منبع کلیدی (نظیر حبیبی و همکاران، ۱۳۸۵؛ شایان، معمار دزفولی، ۱۳۹۳؛ شیرازی، ۲۰۱۸) به آن کمتر پرداخته شده‌است. چالش اصلی معماری و شهرسازی ایران در حوزه نظری و تولید فضا (اعم از معماری و شهرسازی) در طول ۱۵۰ سال گذشته تحت الشعاع دو مسئله: اول، آموزش معماری (حجت، ۱۳۸۹)؛ دوم، دیدگاه‌های رایج بازآفرینی گذشته (سنت) و نوگرایی و آینده‌نگری مبتنی بر مدرنیته و فضای بینابینی این دو بوده‌است. این موضوع در تمامی موقعیت‌های مکانی و زمانی، شرایط بحرانی را در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی باعث شده‌است؛ وضعیتی که عدم قطعیت و تنش مدام را (که بعضی مواقع، سازنده نبوده) برای معماری و شهرسازی این کشور به دنبال داشته‌است (شیرازی، ۲۰۱۸)؛ به همین دلیل معماری و شهرسازی ایران به‌ویژه در دوران معاصر با تنوع رویکردهای و گرایش‌های گاه، ناموزون و متکثری روبرو است؛ که از خاستگاه‌های متغیری سر برآورده و شرایط سرگردانی را به‌ویژه با ظهور پست مدرن و جریانات جهانی‌سازی فراهم آورده‌است. گفتمان‌های حکمی-فلسفی معماری و شهرسازی ایران در دوران سنتی، همانند دیگر فنون و هنرها، مبتنی بر حکمت و فلسفه‌های حاکم بر اندیشه فیلسوفان و به تأثیر از شرایط اجتماعی-سیاسی-فرهنگی جامعه (برای مثال مکتب اصفهان، سبک تهران) بوده‌است؛ اما با آغاز شیوه نوین معماری و شهرسازی ناشی از تجارب

آموزشی غرب (به‌واسطه دو مدرسه باوهاوس و بوزار که خاستگاه نسل‌های اولیه معماران و شهرسازان ایران دوران معاصر است) و رخداد جریان‌های جهانی، گفتمان سنتی معماری و شهرسازی که از مشخصه اصلی آن، وحدت است، دچار تغییر می‌شود؛ به بیانی دیگر اندیشه‌ورزی (نظری) و ساخت تجربی (کاربرد) معماری و شهرسازی (اشکال‌گوناگون بازنمودهای زمانی-فضایی) دیگر در تطابق با شرایط زیست‌اصیل اجتماعی مردم (زمان-فضای زیسته و فرهنگ‌ساز) و مبتنی بر زمینه و بوم ایران و آنچه از آن ژنوم ایرانی<sup>۱۱</sup> می‌توان تعبیر کرد (فضا-زمان بازنمودها)، نمی‌باشد. این امر با عدم حمایت دیگر بازنمودهای به‌ویژه بازنمودهای اجتماعی ناشی از عقب افتادگی و رویکرد تقلیدی در علوم انسانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شدت بیشتری می‌یابد.

شاید بتوان علت این امر را، ضعف شبکه مکاتب اندیشه‌ای بومی دانست که از علوم کاربردی و هنری به‌ویژه معماری، شهرسازی حمایت نمی‌کند. چند عامل عقلانیت و اندیشه‌ورزی در معماری و شهرسازی را در دوران معاصر ایران؛ به تعبیر شایگان (۱۳۸۰) دچار افسون‌زدگی و هویت و تفکر چهل‌تکه و سیار کرده‌است: تفکر وارداتی (ترجمه و تحریف و شخصی‌سازی تفکر غرب توسط آموزش‌دیدگان و شارعان آن در دانشگاه)؛ تفکر تقلیدی (و گردبرداری ظاهری)؛ تفکر انقلابی؛ تفکر بحران‌زده ناشی از جنگ؛ تفکر بازاری؛ تفکر توسعه. رویکرد متخصصان در این انواع را باید در دو شکل فعال و انفعالی دسته‌بندی نمود.

تفکر وارداتی از دهه ۲۰ شمسی، بیشتر با تأکید بر فرهنگ آموزش مبتنی بر مکاتب آموزشی اروپا در مدارس و دانشگاه‌ها و با سرآمدی سه دانشگاه تهران (با دانشکده هنرهای زیبا و وامداری از سیستم دانشگاهی فرانسه و ایتالیا)، دانشگاه شهید بهشتی یا ملی (به تأثیر از سیستم دانشگاه‌های ایتالیا) و دانشگاه علم و صنعت (پلی تکنیک تهران)، ورود اندیشه‌های وارداتی و گاه شخصی‌سازی شده (مبتنی بر برداشت شخصی از آموزش‌های غربی) اتفاق می‌افتد. تفکر تقلیدی و چالش ناشی از آن را باید از اواسط عصر قاجاریه و حرکت به سمت جهان مدرن و یا به عبارتی جهان غرب دانست؛ که به تدریج شیوه‌های اصفهانی، تهرانی به شیوه‌های مدرن و نئوکلاسیک تبدیل می‌شوند. این امر با ظهور نسل اول معماران و شهرسازان که تحصیل کرده اروپا بودند و گرایش‌ها و رویکردهای آنها متأثر از تحولات اروپاست، شدت بیشتری می‌یابد (بانی مسعود، ...). آنچه در این دوران بیش از هر چیز بر معماری و شهرسازی ایران تحمیل می‌شود؛ مباحث شکلی است که در پس آن بافت اجتماعی قدیمی و آغشته به الگوهای سنتی باقی مانده‌است. با ظهور نسل دوم معماری و شهرسازی ایران، مثلث فرهنگی از فرهنگ غربی؛ فرهنگ ایرانی (با نقش پررنگ معماری و شهرسازی قبل از اسلام) و رومیان فرهنگ (معماران و شهرسازان به عنوان میانجی‌گر فرهنگ غرب و میراث تاریخی ایران) شکل می‌گیرد؛ که در برخی منابع از آن به معماری و شهرسازی خودی یاد می‌شود (نظیر بانی مسعود، ...؛ بحرینی، ...؛ حبیبی ۱۳۸۵). نسل سوم که به واسطه بحران‌های ناشی از انقلاب و جنگ بیش از هر چیزی، با هدف سازندگی و تحقق فضاهای کالبدی-عملکردی (با شعار سبک بین‌المللی) متمرکز می‌شود و کمتر به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، توجه می‌شود. با تأکید بر تفکر شتابزده دروان جنگ که باعث رخداد رویکردی با نام «جنگ بازسازی» است (بینام، ۱۳۶۱)، رویکرد اندیشه‌ای مبتنی بر اصول معماری و شهرسازی بین‌المللی و مدرن انجام می‌گیرد (تبریزی، ۱۳۷۱). تفکر بازاری که به واسطه گسترش بازارهای جهانی (اعم از اجتماعی و اقتصادی) گسترش می‌یابد و معماری و شهرسازی ایران عرصه این تفکرات (اعم از دانشی و تکنولوژی) می‌شود. به تدریج با گسترش و انقلاب اطلاعاتی، الکترونیکی و رونق فناوری‌های نوین اطلاعاتی، تفکر توسعه‌ای در اشکال گوناگون توسعه رسانه‌ای و توسعه الکترونیکی گسترش می‌یابد.

با تمرکز بر تولید محتوای مقالات و کتب و بررسی مطالعات آکادمیک به صورت تجربی و مرور اجمالی منابع کتابخانه‌ای و مقالات نمایه‌شده در پایگاه‌های ایرانی نورمگز تا آذر ۱۴۰۲؛ چهار حکمت با سه گرایش قابل شناسایی است: حکمت اسلامی،

<sup>۱</sup> در این جست و جو با تأکید بر کلیدواژگان و عناوین با محوریت «معماری و شهرسازی» با تحدید موضوع به کلیدواژه ایرانی، اسلامی و اصول انجام شده‌است. که از میان منابع پس از جست‌وجوی اولیه ۷۱۷ مقاله نمایه شده، مورد بررسی قرار گرفته و سپس مقالات در دو مرحله با محوریت کلیدواژگان بازنگری و به .... مقاله رسیدند.



ایران باستان و التقاطی. این مطالعات در چهار گرایش ذیل قابل دسته‌بندی هستند: **گرایش فلسفی** (نظیر: نصر، ۱۴۰۱؛ نقره‌کار، ۱۴۰۰؛ نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۶؛ متوصل، ۱۳۹۹؛ شجاری و همکاران، ۱۳۹۷؛ نوکار و همکاران، ۱۳۹۷؛ تقوی زواره و صارمی، ۱۳۹۷؛ پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۵؛ بیات، ۱۳۹۳؛ احمدی و افرادی، ۱۳۹۱؛ علی‌آبادی، ۱۳۹۱؛ نقی‌زاده، ۱۳۸۹)؛ **عرفانی** (نظیر: هوشیار و همکاران، ۱۳۸۲؛ اشرفی، ۱۳۹۷؛ اشرفی، ۱۳۹۶؛ ظفرنویبی، ۱۳۹۶؛ موسوی‌راد و همکاران، ۱۳۹۵)؛ **فقهی** (نظیر: سیفیان، ۱۳۷۷؛ پژوهنده و پژوهنده، ۱۳۹۲؛ عندلیب، ۱۳۹۷؛ علایی رحمانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۸؛ قره‌بگلو و جمالی، ۱۴۰۰؛ و **الگوگرا** (با تأکید بر الگوهای زیباشناختی (جعفری، ۱۳۹۸)؛ طبیعت‌گرایی (نقی‌زاده، ۱۳۸۲؛ حسینی، ۱۳۹۴)؛ نشانه‌شناختی (صدری، و مولوی، ۱۳۹۹؛ صفوی و همکاران، ۱۳۹۷؛ ولیعهدی و سهیلی، ۱۳۹۶؛ علی‌آبادی، ۱۳۹۴؛ ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹)؛ جامعه‌شناختی (فرجام و همکاران، ۱۳۹۰؛ قره‌بگلو و همکاران، ۱۳۹۵؛ طباطبایی لطفی و پیربابایی، ۱۳۹۶؛ عسگری و همکاران، ۱۳۹۷؛ فرهنگ‌دوست و همکاران، ۱۴۰۰)؛ روان‌شناسی (نظیر: رضایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ حبیبی و مجتبی‌زاده، ۱۳۹۸؛ مطلبی، صداقتی، ۱۳۹۹)؛ فرهنگ‌گرایی (حبیب، ۱۳۸۸؛ رضایی، ۱۳۹۲؛ رضایی و داور، ۱۳۹۵؛ تبریزی نور و همکاران، ۱۳۹۵؛ طاهباز، محبی، ۱۴۰۰؛ اقتصادی (نظیر: رئیسی، ۱۴۰۰؛ طباطبایی لطفی، ۱۳۹۲؛ عملکردگرایی (نظیر: حبیبیان، ۱۳۹۴؛ عابدینی و عبادی، ۱۳۹۷؛ محمدی و علیان، ۱۳۹۷).

#### ۴-۲-۲- سنت‌های اصلی (میراث فکری) در ایده‌پردازی پیرامون معماری و شهرسازی در ایران معاصر

بررسی گرایش‌های مطالعات بخش پیشین حاکی از آن است که اشکال گوناگون اندیشه‌ورزی و سبک‌های معماری و شهرسازی در ایران (پیش و پس از انقلاب اسلامی) در دو سنت و میراث فکری اصلی مفهوم‌گرا و تکنیک‌گرا پیرامون سه پارادایم و مبانی فکری سنتی (سنت‌گرا)، مدرن و آستانه‌ای (در میانه)<sup>۱</sup> قابل دسته‌بندی است. این سه پارادایم در سه گونه‌ی روش در معماری و شهرسازی بروز عینی می‌یابد، که عبارتند از: بازسازی (باززنده‌سازی و دوباره‌سازی)، نوسازی (الگوسازی جدید) و بازآفرینی (معاصرسازی). چهار حکمت با سه گرایش قابل شناسایی است: حکمت اسلامی، ایران باستان؛ التقاطی. گرایش فلسفی؛ عرفانی؛ فقهی و الگوگرا (با تأکید بر الگوهای زیباشناختی، طبیعت‌گرایی، نشانه‌شناختی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، فرهنگ‌گرایی؛ اقتصادی؛ عملکردگرایی. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که حکمت اسلامی و پس از آن حکمت التقاطی مبتنی بر جریان‌ات و موضوعات نوین جهانی از مقبولیت بیشتری در جامعه آکادمیک برخوردار است.

#### ۴-۲-۳- مفاهیم کلیدی در گفتمان معماری و شهرسازی در ایران معاصر

در ایران معاصر توجه به زمان جز با برخی مفاهیم روان‌شناختی، نظیر حس زمان (سوری و همکاران، ۱۳۹۳؛ ضیایی و همکاران، ۱۴۰۲؛ غفوری، ۱۳۸۹؛ شعبانی، ۱۳۸۶) و ضرب‌آهنگ (جمشیدی، حبیبی، ۱۳۹۹؛ شماعی، ۱۳۹۹؛ برزگر، حبیبی، ۱۴۰۰؛ باغبان مشیری و همکاران، ۱۴۰۱؛ دويدان، ۱۴۰۲) و به تأثیر از جریان‌ات و نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب به این موضوع پرداخته‌اند.

#### ۵- بحث و نتیجه‌گیری

قیاس سنت‌های فکری غرب و ایران در برخورد با مفهوم زمان در گفتمان حکمی و فلسفی معماری و شهرسازی و بررسی مفهوم زمان و ابعاد آن در دو سطح جهانی و ایران در دوران معاصر، حاکی از آن است که مفهوم زمان و ارتباط آن با فضا در گفتمان فلسفی در حوزه‌های تولید فضا، اعم از جغرافیا، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی نقش تعیین‌کننده‌ای در نظریات شهری ایفا می‌کند؛ حال

<sup>۱</sup> In Between



آنکه در ایران اندیشه‌ورزی پیرامون زمان (صرف‌نظر از حوزه فلسفه دینی و مذهبی) تقریباً ناچیز می‌باشد و تنها به کار بستن مفاهیم غرب در زمینه بومی، بسنده شده است؛ افزون بر آن در گفتمان حکمی و فلسفی و سنت‌های غربی ارتباط معناداری میان مفاهیم برخاسته از پراکتیک اجتماعی با نظریات شکلی و فرمی و فضایی برقرار است و این شکاف میان تحولات اجتماعی و تأثیرپذیری در شکل فضایی نقش تعیین‌کننده‌ای در ایده‌پردازی‌های شهری (به‌طور عام) و ایده‌پردازی‌های زمانی (به‌طور خاص) دارد؛ علاوه بر آن در مکاتب فکری غرب، علوم پایه نظیر فیزیک نقش تعیین‌کننده‌ای در نظریه‌پردازی‌های فضایی و زمانی دارد و در ایده‌پردازی‌ها، قوانین فیزیکی و متافیزیکی، مجالی برای ایده‌پردازی پیرامون زمان است؛ از سویی دیگر زمانمندی مکان و مکانمندی زمان به عنوان یک مفهوم ساختاری در فلسفه معماری و شهرسازی غرب و در سطوح و مقیاس‌های خرد تا کلان، نقش اساسی در تجسد، تجسم و معناداری محیط انسان‌ساخت ایفا می‌کنند. از سویی دیگر مصرف فضا به‌ویژه با چرخشی تاریخی از یک نظم متعادل مبتنی بر دوره سنتی به یک نظم آشفته مبتنی بر دوران مدرن در غرب، ایده زمان و نقش آن در ساخت و تولید فضا و مکان را، دچار تغییر نموده و مجالی برای ایده‌پردازی فراهم کرد.

جدول شماره ۲: انواع گفتمان معماری و شهرسازی در ایران و جهان

گفتمان حکمی-فلسفی معماری و شهرسازی دوران معاصر ایران و جهان (۱۳۲۴ ش. / ۱۹۴۶ م)			
غرب	ایران		
کارکردگرایی مبتنی بر عقلانیت (اقتصاد سیاسی)	مارکس	سنت‌گرایی (معماری و شهرسازی ایرانی و معماری و شهرسازی اسلامی)	
نشانه‌شناسی و معناگرایی	دو سوسور	غرب‌گرایی و مدرنیته (معماری بین‌المللی) نسل اول	
پدیدارشناسی	هوسرل	منطقه‌گرایی (بینابینی) نسل سوم	
ساختارشناسی	فوکو	ملی‌گرایی (تاریخ‌گرایی و بوم‌گرایی) نسل دوم	
رومانتیسیسم و تجربه‌گرایی	والتر بنیامین	جهانی‌سازی - جهان‌گرایی	
زمینه‌گرایی و تاریخ‌گرایی	وبر	نوآوری	
		فرانوآوری	

مأخذ: نگارنده

## ۶- پی‌نوشت

- 1- Substitution model
- 2- Here
- 3-Now
- 4- UTC
- 5-ICT
- 6- A-theory of time
- 7-B-theory of time
- 8-The block universe theory of time
- 9-the multiverse theory of time
- 10- The psychology of time

۱۱- نگاه پژوهشگر در این راستا و ام‌دار تعبیری است که در کتاب «ایران کجاست؟ ایرانی کیست؟» به کار رفته است.

<sup>1</sup> FORM & SHAPE

## تقدیر و تشکر

بر خود واجب می‌دانم که سپاس خود را از دو استاد بزرگ که فلسفهٔ زمان را در زندگی من سرآغازی شدند، ابراز نمایم، سپاس از وجود پاک دکتر احمد آکوچکیان و بانوی بزرگ دکتر میترا حبیبی.

## منابع و مآخذ

- اردلان، نادر، و بختیار، ژاله. (۱۳۹۱). حس وحدت: نقش سنت در معماری ایرانی. (ترجمه: جلیلی). تهران: موسسه علم معمار رویال. اصل، حجت‌الله. (۱۳۹۳). آرمانشهر در اندیشه ایرانی. تهران: نشر نی.
- اعتمادی-نیا، مجتبی. (۲۰۱۴). نگاهش به مفهوم زمان از منظر سنت آگوستین. انتشار یافته در سایت فلسفه نو. <http://new-philosophy.ir/?p=601> دسترسی در تاریخ ۲۴/۱/۵۶
- آکوچکیان، احمد. (۱۳۸۸). از آرمانشهر تا شهر توسعه (جزوه). اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان، معاونت پژوهشی.
- اهری، زهرا. (۱۳۸۵). مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان طراحی شالوده شهری. تهران: فرهنگستان هنر.
- اولناریوس، آدام. (۱۳۸۵). سفرنامه آدام الناریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی. (ترجمه: بهپور). تهران: انتشارات ابتکار نو.
- برن، لوسیلا. (۱۳۷۵). اسطوره‌های یونانی، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، ص ۱۵ و ۱۶.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۸). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری سوره مهر
- بنانی، امین، دران، دارلی، و دوبروین، و سیوری. (۱۳۹۰). صفویان. (ترجمه: آژند). تهران: مولی.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۸۸). هنر مقدس: اصول و روش‌ها. (ترجمه: ستاری). تهران: سروش.
- پایکین، ریچارد و استرول، آروم. (۱۳۸۹). کلیات فلسفه. (ترجمه: کریم مجتبی). تهران: حکمت، ص ۳۳۵-۳۳۶
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۶). آرمان شهر: فضا، هویت و قدرت در اندیشهٔ اجتماعی معاصر. (ترجمه: خاکباز). تهران: نشر نی.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۶۳). سفرنامه تاورنیه. (ترجمه: ارباب شیرانی). تهران: نیلوفر.
- جهانبگلو، رامین و نصر، سید حسین. (۱۳۸۵). در جست و جوی امر قدسی: گفت و گوی رامین جهانبگلو با سید حسین نصر. (ترجمه: شهرآیینی). تهران: نشر نی.
- حبیبی، محسن. (۱۳۸۶). از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و اثر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- داماد، میرمحمدباقر. (۱۳۶۷). القبسات. (ترجمه: محقق و دیگران). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روویون، فردریک. (۱۳۸۵). آرمانشهر در تاریخ اندیشه غرب. (ترجمه: باقری). تهران: نشر نی.
- ژوناس، اولیویه. (۱۳۹۴). رویای شهر: سفر به دنیای شهرهای رویایی: شهر اوهام و... (ترجمه: قلعه نویی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سلطان زاده، حسین. (۱۴۰۰). معماری ایران در دوره اسلامی. رشت: انتشارات طاعتی.
- سیوری، راجر. (۱۳۷۲). ایران عصر صفوی. (ترجمه: عزیززی). تهران: نشر مرکز.
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۰). افسون زدگی جدید: هویت چهل تیکه و تفکر سیار. (ترجمه: ولیانی). تهران: فرزانه روز.
- شیخ الاسلامی، علی. (۱۳۸۳). خیال و مثال و جمال در عرفان اسلامی. تهران: فرهنگستان هنر.
- طاهریان، مهدی. (۱۳۸۹). کانت، آغازگر مابعدالطبیعه زمان. حکمت و فلسفه، ۱۶ (پیاپی ۲۱)، ۷۱-۸۰. <https://sid.ir/paper/123536/fa> SID.
- غفاری، ابوالحسن. (۱۳۸۱). زمان و مکان در آرای کانت و هگل. معرفت، شماره ۶۱.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان شناسی شهری. تهران: نشر نی.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۳). ریشه‌ها و گرایش‌های نظری در معماری. تهران: فضا (وابسته به موسسه علمی و فرهنگی فضا).
- کاپلستون، فردریک. (۱۳۶۸). تاریخ فلسفه یونان و روم. (ترجمه: سید جلال‌الدین مجتبی). انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، ص ۶۱ تا ۶۵
- گیدیون، یگفرید. (۱۳۹۵). فضا زمان معماری (چاپ ۱۵). (ترجمه: منوچهر مزینی). تهران: انتشارات: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- میرتس، تنودور. (۱۳۷۵). متفکران یونانی. (ترجمه: محمد حسن لطفی). تهران: انتشارات خوارزمی، ج ۱، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.
- محمدی، حمید. (۱۳۹۷). اندیشه‌های شهرسازی در آثار متفکران ایرانی و مسلمانان (از آرمان تا واقعیت). یزد: انتشارات یزد.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۴). سیری در مبانی نظری معماری. تهران: نشر سروش دانش با همکاری نشر معمار.
- معین، محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ معین. تهران: زرین.
- نجفی افرا، مهدی. (۱۳۹۴). زمان در پدیدارشناسی وجودی هایدگر و آنتولوژی صدراتی. پژوهش‌های هستی‌شناختی، ۴ (۷)، ۴۱-۵۷. SID. <https://sid.ir/paper/499754/fa>
- نصر، سیدحسین، و لیمن، الیور. (۱۳۹۳). تاریخ فلسفه اسلامی. (ترجمه: جمعی از مترجمان). تهران: نشر کیمیای حضور.
- نقره کار، عبدالحمید. (۱۴۰۰). حکمت اسلامی در خلق آثار هنری معماری و شهرسازی (چاپ دوم). تهران: سروش.
- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۵). معماری و شهرسازی اسلامی. تهران: انتشارات راهیان.

- هانری، کربن. (۱۳۸۸). تاریخ فلسفه اسلامی. (ترجمه: طباطبایی). تهران: کویر.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۸۹). هستی و زمان، (ترجمه: عبدالکریم رشیدیان)، تهران: نشر نی.
- وحید دستجردی، امیرحسین، بینای مطلق، سعید، و شاقول، یوسف. (۱۳۹۸). سمبولیسم از منظر سنت گرای. جاویدان خرد بهار و تابستان. ۳۵. ۲۰۷-۲۳۲
- Barbara Piozzini. "The Space and the Time as a Nosological Query." *PhilosophyInternational Journal* 4.1 (۲۰۲۱)
- Birgan .Gokmenoglu. (2022). Temporality in the social sciences: New directions for a political sociology of time. *British Journal of Sociology*, 73(3):643-653. doi: 10.1111/1468-4446.12938
- Carneiro, M., Nascimento, S., Rocha, T. C., & Cunha, J. (2021). Temporality, lived time and psychopathology of everyday life. *European Psychiatry*, 64(S1), S769-S769. <https://doi.org/10.1192/j.eurpsy.2021.2035>
- Conitzer ,Vincent. (2020). The Personalized A-Theory of Time and Perspective. arXiv: History and Philosophy of Physics,
- Deng, N.(2018). Time, metaphysics of. In *The Routledge Encyclopedia of Philosophy*. Taylor and Francis. Retrieved 1 Jan. 2024, from <https://www.rep.routledge.com/articles/thematic/time-metaphysics-of/v-3>. doi:10.4324/9780415249126-N123-3
- Dyke, H.(1998). The A-theory and the B-theory. In *Time, metaphysics of*. In *The Routledge Encyclopedia of Philosophy*. Taylor and Francis. Retrieved 1 Jan. 2024, from <https://www.rep.routledge.com/articles/thematic/time-metaphysics-of/v-1/sections/the-a-theory-and-the-b-theory>. doi:10.4324/9780415249126-N123-1
- Dyke, H.(2011). Time, metaphysics of. In *The Routledge Encyclopedia of Philosophy*. Taylor and Francis. Retrieved 1 Jan. 2024, from <https://www.rep.routledge.com/articles/thematic/time-metaphysics-of/v-2>. doi:10.4324/9780415249126-N123-2
- Emery, Nina, Ned Markosian, and Meghan Sullivan, "Time", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2020 Edition), Edward N. Zalta (ed.), URL = <<https://plato.stanford.edu/archives/win2020/entries/time>>.</
- Gazizov, Rail Robertovich (2021). Information space and time and its social dominants. *Kant* 38 (1):94-98.
- Grandjean , Vincent. (2021). Symmetric and asymmetric theories of time. *Synthese*, doi: 10.1007/S11229-021-03427-7
- Hawking, S., Penrose, R. (1996). *The nature of space and time*. United Kingdom: Princeton University Press.
- Henry, William, Pollock. (2020). *Subjects, Experiences, and the Passage of Time: A neo-Parfitian account*.
- Jack, Shardlow ., Ruth, Lee., Ruth, Lee., Christoph, Hoerl., Teresa, McCormack., Patrick, Burns., Alison, Fernandes. (2021). Exploring people's beliefs about the experience of time. *Synthese*, doi: 10.1007/S11229-020-02749-2
- Janiak, Andrew, "Kant's Views on Space and Time", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Spring 2020 Edition), Edward N. Zalta (ed.), URL = <<https://plato.stanford.edu/archives/spr2020/entries/kant-spacetime>>.</
- Le Poidevin, Robin (2008). *The experience and perception of time*. *Stanford Encyclopedia of Philosophy* .
- Malpas, J. (2015). *Timing Space-Spacing Time*. In: Grant, S., McNeilly, J., Veerapen, M. (eds) *Performance and Temporalisation*. *Performance Philosophy*. Palgrave Macmillan, London. [https://doi.org/10.1057/9781137410276\\_2](https://doi.org/10.1057/9781137410276_2)
- Mellor, D. H. (1981). *Real time*. United Kingdom: Cambridge University Press.
- Parkes, D. N., & Thrift, N. (1975). *Timing Space and Spacing Time*. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 7(6), 651-670. <https://doi.org/10.1068/a070651>
- Simchi, Hamidreza. (2019). *The Concept of Time: A Grand Unified Reaction Platform*. arXiv: General Physics ,
- Sullivan, D., Stewart, S. A., & Diefendorf, J. (2015). Simmel's time-space theory: Implications for experience of modernization and place. *Journal of Environmental Psychology*, 41, 45-57.
- Tallant, Jonathan. (2015). *The New A-theory of Time*. *Inquiry: Critical Thinking Across the Disciplines*, doi: 10.1080/0020174X.2015.1069067
- W., Zimmerman ,Dean,. (2005). *The A-Theory of Time, The B-Theory of Time, and 'Taking Tense Seriously'*. *Dialectica*, doi: 10.1111/J.1746-8361.2005.01041.X
- W., Zimmerman ,Dean,. (2007). *The Privileged Present: Defending an 'A-Theory' of Time*